

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

زمان برگزاری کنکور ۹۸ تغییر نمی‌کند

مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور می گوید که ثبت‌نام در کنکور ۹۸ از ۲۴ بهمن‌ماه آغاز می‌شود. حسین توکلی در این باره گفت: «این آزمون در روزهای ۱۳ و ۱۴ تیرماه ۹۸ برگزار خواهد شد.»

او ادامه داد: «ثبت‌نام برای شرکت در آزمون سراسری سال ۹۸ از روز چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه ۹۷ از طریق سایت سازمان سنجش آموزش کشور آغاز می‌شود و روز پنجشنبه ۲ اسفندماه پایان می‌یابد. همان‌طور که در تاریخ ۱۵ مهر ۹۷ از طریق بیک سنجش و معتاقب آن هر هفته به اطلاع داوطلبان رسیده، آزمون سراسری ۹۸ در روزهای پنجشنبه ۱۳ و جمعه ۱۴ تیرماه ۹۸ در حوزه‌های مربوطه برگزار می‌شود.»

داماد خانواده مالک:

آتشی می‌زنیم اما زیر قیمت نمی‌فروشیم

◀ می‌توانستیم بعد از این که خانه نیما از فهرست آثار ملی در آمد، با ۵میلیون تومان آن جا را خراب کنیم اما نکردیم

می‌گفتند آنها را معتادها به آن خانه آورده‌اند.

نه، کار همین همسایه‌ها است. معتاد می‌رود از روی دیوار میل می‌اندازد توی حیاط که بعد برود بنشینند روی میل؟ این طور نیست. شهرداری با پیچ همسایه‌ها می‌شود اگر میل کهنه‌شان را بگذارند سر کوچه. برای همین می‌اندازند توی زمین ۶۰۰ متری متروک.

آقای مسجدی، بعد از سال ۷۹ که خانه ثبت ملی شد، کارشناسان میراث فرهنگی چندر به آن سرزدند؟ می‌گفتند سالی یک‌بار می‌آمدند.

اصلا نیامدند. هیچ‌کس نیامد. سال ۷۹ ما می‌خواستیم این جا را خراب کنیم که این طور شد. همان وقت نقشه و مجوز ساخت ۵طبقه از شهرداری را گرفتیم. شهرداری که یک روز مجوز تخریب داده بود، حالا مدعی شد. دیوار های بیرونی را خراب کردیم اما نگذاشتند. خانم دانشور آمد این جا شلوغ کرد و نگذاشت. حالا هم که از دنیا هم رفته‌اند، فقط کار مسارا خراب کردند. محمود دولت‌آبادی هم همراه او بود. یک ماه خوراک مطبوعاتی رسانه‌ها شده بود. آن قدر گفتند که شهرداری جلوی کار مسارا گرفت و ثبت میراث فرهنگی شدند. برادر خانم من از سال ۷۹ تا ۹۲ آن جا زندگی می‌کرد، بعد هم دیگر دیدم این خانه هم خرابه شده و هم در ور نه افتاده و باید میلیون‌ها تومان برایش خرج کنند، رهایش کرد و رفت. ما هم با یک سری مستندات قانونی از دیوان عدالت اداری حکم گرفتیم و از میراث‌ درش آوردیم. در آن سال‌ها که برادر خانم من آن جا زندگی می‌کرد، میراث‌ فرهنگی کجا بود؟ اگر شما کسی را از میراث‌ فرهنگی دیدید، ما هم دیده‌ایم. فقط آمدند ثبت کردند و بعد که پرسیدیم چرا؟ این خانه مال ماست، سند دارد. کسی جواب نداد.

کسی آن زمان سعی نکرد مالکان را راضی کند؟

کسی از ما رضایت نگرفت. فقط خانم دانشور و دولت‌آبادی می‌آمدند شلوغ می‌کردند که «جلال می‌آمده اینجا» و «ما این جا بانیمایم» و از این حرف‌ها. برای روزنامه‌ها هم فرقی نمی‌کرد که ما این وسط ضرر می‌کنیم. فقط فکر تیزاز بودند. میراث‌هم گفت اگر به خاطر خانم دانشور و موج مطبوعاتی نبود این جا به درد نمی‌خورد و فایده فرهنگی ندارد گفتیم مگر بیکار بودید ثبت کردید؟ گفتند مجبور شدیم.

کدام مسئول میراثی اینها را می‌گفت؟

همین میراثی‌ها. کارشناسی که رفتم با آنها صحبت کردیم. همان مسئول آثار فرهنگی. بعد سه ما گفتند می‌توانید در این خانه سال‌ها بنشینید اما اجازه ندارید دست به تر کیش بزنید. نمی‌توانید تخریب کنید اما می‌توانید بفروشید. آن موقع هم ۳میلیارد قیمتش بود اما آخر کدام عاقلی است که خانه‌ای را که نتواند پیش دست بزند، بخرد؟ به خدا می‌توانستیم بعد از این که از میراث‌ فرهنگی درآمد، با ۵میلیون تومان آن جا را خراب کنیم. آن وقت می‌خواستیم ببینم چه کسی می‌توانست بیاید حرفی بزند. به کسی چه ربطی دارد؟ خانه مال ماست، این هم سند، دلم خواست خراب کنم. اما اینجور آدم‌هایی نیستیم. من کارمند بانک مرکزی‌ام، داماد این خانسواده، و کیلم کرده‌اند که این خانه را برایشان بفروشیم. برادر خانم‌هایم یکی پزشک است، یکی دبیر، یکی در آلمان زندگی می‌کند، هر کدام زندگی خودمان را داریم اما واقعا دارند حقمان را می‌خورند؛ نه جواز می‌دهند که از ملک ور نه‌ای استفاده کنیم، خانه بسازیم و همه‌مان دور هم زندگی کنیم، نه می‌گذارند بفروشیم که یکی دیگر بیاید هر کاری دلش خواست بکند. بعد هم می‌خواهند بخرند می‌گویند ۴میلیارد.

این عدد از کجا آمده؟ مستقیما به شما گفته‌اند؟ پیش از این فقط یک بار ولی الله شجاع پوریان گفته بود که برای خریداری ایسن بنا چهار و نیم‌میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده.

خودم شخصاً نشنیدم، اما شبکه‌های فارسی‌زبان از آقای حاجی‌این را نقل کرده. راست‌دروغش زانمی‌دام.

شما می‌خواهید همان ۱۵میلیار دفروشید؟

اگر این حرف دروغ است و آنها ادعای میراث‌ فرهنگی و حفظ تاریخ و این حرف‌ها دارند، ما تخفیف هم بهشان می‌دهیم. ۱۰ درصد تخفیف می‌دهیم اما یک چهارم قیمت نمی‌فروشیم. بعد هم بایستند کنار به ریش ما بخندند که «زمین درازشپ را که متری ۳۰، ۴۰میلیون تومان قیمت دارد، خرید‌هایم متری ۱۰ میلیون تومان.»

اگر شده آن جا را زباله‌دانی کنم و حیوانات وحشی هم آن جا زندگی کنند، به این قیمت نمی‌فروشیم. ما غذای با فرهنگ این مملکت نداریم اما مالمان است، ۵ ور نه هستند و هر کدام حقی دارند. برای شهرداری منطقه یک ۱۰میلیارد و ۱۵میلیارد پولی نیست. با تراکم یک زمین ۳۰۰ متری کل این پسرل را در می‌آورد. یک جواز تجاری به یک زمین ۵۰۰ متری بدهد این پول جواز می‌شود اما انکار فقط می‌خوانند خودشان چیزی از دست ندهند، بقیه هیچ‌من و کیل همه مالکان هستیم؛ همسر م و چهار برادر او. من برای فروش و تعیین تکلیف این خانه و کیل هستیم اما به هر دری می‌زنیم به جایی نمی‌رسیم.

مالکان خانه‌ای که روزگاری خانه پدر شعر نو بود و سیمین و جلال به هوای او همسایه‌اش شده بودند، پنج نفرند؛ چهار برادر و یک خواهر که دو نفرشان تهران‌اند، یکی آمل، یکی مشهد و یکی شان آلمان. فرشید مسجدی، داماد خانواده که از طرف خانواده شریف‌نیا برای فروش خانه و کیل شده در گفت‌وگوبا «شهروند» می‌گوید، حالا که شهرداری خانه را به قیمت‌نمی‌خرد دستشان را برای هر کاری بسته، می‌افتند دنبال گرفتن جواز تخریب و فروش ملک به دلال. **اتفاق تاز مای‌برای خانه نیفتاده آقای مسجدی؟**

شهرداری فقط ادعاهایی می‌کند که ما به آن اعتقادی نداریم و فقط حرف است. همین‌طوری ما را بلا تکلیف گذاشته‌اند.

وعده تاز مای داده‌اند که عمل نکرده باشند؟

بله. ما می‌خواهیم جواز بگیریم اما نمی‌دهند.

یعنی می‌خواهید تخریب کنید؟

بله، شاید اصلا خودمان بخواهیم آن جا را دوباره بسازیم. ما هنوز به قطعی‌تر رسیده‌ایم.

برنامه‌فروش ندارید؟

ما فروشنده هستیم اما اتفاقی نیفتاده. اگر کسی باشد که به قیمت مناسب بخرد فروشنده‌ایم، اما اگر هم نخرد پیش خودمان گفتیم پس خودمان یک کاری بکنیم، اما شهرداری مجوز نمی‌دهد. خب اگر خیلی دلشان می‌سوزد بخرند.

با میراث‌فرهنگی صحبتی نداشته‌اید؟

آنها فقط از سال ۷۹ ما را مجبور به ثبت کردند، اما حالا خانه تبدیل شده است به زباله‌دانی. ما با دو سال زحمت این خانه را از میراث‌در آوردیم اما خودشان (میراثی‌ها) می‌گفتند این خانه ارزش ندارد، فقط به خاطر شسائتازهای خیری و شلوغی‌های خانم دانشور، (سیمین دانشور، نویسنده) رضایت دادند. می‌گفتند این جا صلابه دردمان نمی‌خورد، با یک سری فشارهای رسانه‌ای این کار را الکی کردیم. بعد که این طور شد ما می‌گفتیم خوب پول ما را بدهید، می‌گفتند نداریم. دیشب تلویزیون مسجد جامع کاشان را نشان می‌داد که مردم می‌شود و مردم می‌گفتند میراث‌ فرهنگی بودجه ندارد خرج این جا کند. میراث‌ فقط حرف می‌زند که می‌خواهد این خانه را حفظ کند. خب اگر این طور است واقعا بیاید بخرد تا تحفظش کند.

حالا که شهرداری برای خرید خانه جلو آمده چرا نمی‌فروشید؟

آخر ملکی که ۱۶میلیارد قیمت دارد را می‌خواهند ۴ یا ۴ و نیم‌میلیارد تومان بخرند. مگر ما بدوانه‌ایم که این کار را بکنیم. ۱۵میلیارد ملک را بدهم دست شهرداری به این



بهانه که یک زمان دست نیما بوده. اصلا خانه از سال ۴۵ پسر نیما خریدیم، نه نیما. اصلا به اسم نیما یوشیج نبوده. شر اگیم اسفندیاری، پسر نیما صاحب رسمی این خانه بوده و ما ملک را از آن بنده خدا خریدهایم.

سند داشت؟

بله سندش همین حالا هم هست. سند ۶ دانگ منگوله‌دار قانونی.

با نهاد دیگری صحبت نکردید؟ شخصیت‌های فرهنگی؟

همه فقط با شعاعر می‌دهند یا حرف زور می‌زنند. آدم نمی‌داند حرفش را به کی بگوید.

شهرداری این مدت بارها گفته که می‌خواهد بخرد.

به قیمتی که آنها گفته‌اند نمی‌فروشیم. هیچ‌کس مالش را به یک چهارم قیمت نمی‌فروشد. اصلا منطقی نیست. بگذار آن خانه زباله‌دانی شود. **خودتان بنا ندارید کمک بگیرید تا آن جا را یک مکان فرهنگی کنید؟ به شما پیشنهادی نداده‌اند؟**
پول بان کجا بود؟ خانه از پار سال که مدام گفتند زباله‌دانی شده، بدتر شده است. ببینید چه وضعی است. تمام در و پیکرش را کنده‌اند. شده محل جمع شدن معتادها و قاچاقچیان و دزدها. از همه بدتر همه اهل محل کیسه‌های زباله روزمره‌شان را می‌اندازند در آن خانه. بعد می‌روند شکایت می‌کنند که به این جا رسیدگی کنید. بهشان می‌گویم که آخر کیسه زباله را که از نیساوران به آن جا نمی‌آورند، خودتان از پشت‌پام می‌اندازید توی حیاط و فرهنگ ندارید. پس فردا تابستان که بشود، آفتاب می‌زند به اشغال‌ها و آن جا بوی گند می‌گیرد و همه خفه می‌شوند. لاستیک کامیون و میل‌انداخته‌اند در این خانه.



عکس: قاریان

شهرداری تهران می‌گوید خانه «نیما یوشیج» را بیشتر از ۴میلیارد تومان نمی‌خرد و داماد خانواده مالک به «شهروند» می‌گوید مالکان، خانه را یک ریال پایین‌تر از ۱۵میلیارد تومان نمی‌فروشند

خانه نیما را زباله‌دانی می‌کنیم ولی به این قیمت نمی‌فروشیم

◀ حامد سهرابی، وکیل مالکان خانه نیما: نقشه خانه در حال تهیه است

◀ همه چیز زیر سر سیمین دانشور و دولت‌آبادی بود

«شهروند» می‌گوید که چنین نگفته: «من نگفتم خانه دوباره ثبت

شده. ثبت خانه نیما یوشیج در فهرست آثار ملی مربوط به سال ۷۹ است. پرونده ثبت را به صورت داوطلبانه من به همراه سهراب درآیندری (پسر نجف درآیندری) و بیژن روحانی تهیه کردیم. آن زمان من اصلا در میراث مسئول نبودم، اما بالاخره کار انجام شد و خانه نیما که از نظر مامشمول ارزش است، شماره ثبت گرفت. مسأله اما اکنون این است که آیا ایطال ثبت این خانه قطعی شده است یا نه. اگر ثبت ابطال نشده باشد، خانه همچنان اثر ملی است و ثبت دوباره

آن در فهرست آثار لزومی ندارد.»

به گفته او میراث‌فرهنگی استان تهران و اداره کل حقوقی سازمان پیگیر این مسأله حقوقی‌اند. اما پیگیری از میراث‌تهران هم‌راه به جایی نمی‌برد و دلاور بزرگ‌نیا، مدیرکل میراث‌فرهنگی استان تهران می‌گوید: «ارزش فرهنگی و تاریخی این خانه حتی اگر دادگاه رأی به حذف آن از فهرست آثار ملی بدهد- قابل کتمان نیست. خانه از

نظر ما همچنان یک اثر واجد شرایط است و باید حفظ شود.» او که شهر پور امسال خیر داده بود دستور خرید ملک به شهرداری منطقه یک داده شده و قرار است بعد از خرید ملک، شرکت توسعه فضاهای فرهنگی بهر میرداری و کاربری آن فضا را به سرانجام برساند، حالا می‌گوید: «اگر شهرداری بتواند خانه را بخرد و مثل بناهای تاریخی دیگر ساماندهی کند، مسأله حل می‌شود.»

ابراهیم شاقی، مدیرکل حقوقی سازمان میراث‌فرهنگی هم تا این جا می‌داند که «قرار بود ثبت دوباره این خانه از طرف دفتر ثبت آثار پیگیری شود.» با این که حضور ساکنان خانه، عکس‌های بسیار به جا مانده و یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج، نوشته‌های سیمین دانشور، جلال آل احمد، مهدی اخوان ثالث، فریدون مشیری و شهریار، اسناد حضور شاعر در خانه کوچک رهبری‌اند، دادگاه همه را رد کرده و گفته بود که اینها سندن نیست. شاقی اما خبر تازهای می‌دهد: «میراث‌گفته ما سندی داریم که انتساب این خانه را به نیما یوشیج اثبات می‌کند. اگر اسناد جدیدی به دست آورد باشند، دوباره می‌توانند در دادگاه دفاع کنند.» سوال این است، آیا می‌توان اثری که با رأی دادگاه از فهرست آثار ملی خارج شده را دوباره ثبت کرد؟ او جواب می‌دهد: «در صورت قطعی بودن حکم دادگاه درباره خروج این اثر از فهرست ملی، دوباره می‌توان با آیتم دیگری و با یک شماره جدید این خانه را ثبت کرد.» شاقی امیدوار است و می‌گوید سازمان دوباره پرونده جدیدی برای ثبت تهیه خواهد کرد و کار به‌زودی زود به جریان خواهد افتاد. با این که شهرداری با مشکل تأمین اعتبار دست به گریبان است، خیال مسئولان میراثی راحت است که «شهررداری مجوز تخریب نخواهد داد و مالک در نهایت ناچار است به میراث تمکین کنند.»

وکیل مالکان خانه «نیما»

شهرداری تمایلی به خرید ندارد

«واقعیت این است که تصمیمات شهرداری خیلی جدی نیست؛ مالکان قصد تخریب ندارند و فقط دنبال حق‌شان هستند. می‌خواهند بفروشند، اما نه به هر کسی و نه به هر قیمتی.» حامد سهرابی، وکیل مالکان خانه‌انگار که بخخواهد بیامی به شهرداری هم برساند، بعداین

متهاب جودکی | خانه «نیما»، کومه تاریک است. مثل قبل است، شاید حتی بدتر از قبل؛ «بساطی که بساطی نیست» شهرداری تهران این خانه را که روزگاری خانه پدر شو نو بود، هنوز نخریده. میراث‌فرهنگی هم که آه در بساط ندارد. مالکان ۱۵میلیارد تومان قیمت داده‌اند و شهرداری که از مهر ماه برای خرید خانه نیما یوشیج در تهران اعلام آمادگی کرده بود، هنوز کاری از پیش نبرده. مالک با این رقم فروشنده نیست، می‌گوید ترجیح می‌دهد این خانه را آتش بزند تا زیر قیمت بفروشد.

بیشتر از یک‌سال از زمانی که نام خانه نیما یوشیج در تهران از فهرست آثار ملی در آمد، گذشته و با این که سازمان میراث‌فرهنگی وعده داده بود که شماره ثبتش را پس بگیرد، هنوز کاری از پیش نبرده. وکیل خانواده شریف‌نیا که پنج‌مالک خانه مشهور درآشپنا، می‌گوید رأی دیوان قطعی بوده و «این ملک دیگر اثر ملی نیست» و «می‌شود رأی را باطل کرد.» سازمان میراث‌فرهنگی اما هنوز از این قطعی‌تی خیراست.

یک‌سال بعد از آن همه جنجال، دو هفته پیش گروهی از دوستداران شاعر دم خانه او جمع شدند و با رنگ سیاه روی دیوار هایش نوشتند که این خانه باید حفظ شود. «در دیوار به‌هم ریخته» را مالک هم دیده. همه دیده‌اند که خانه نیما کنج درآشپ رهاشده. بعد از آن همه قبل‌وقال دوستداران شاعر و اعتراض اهل فرهنگ و هنر که «خانه را بخرید»، تکلیف هنوز روشن نشده. قرار است کمپینی رسانه‌ای هم برای خرید خانه به راه بفتند، اما نجات خانه نیما یوشیج به این بسته است که خریدار و مالک -که خیال تخریب خانه هم به سرش زده- با هم کنار بیایند. رئیس کمیسیون فرهنگی شهر تهران دو ماه پیش گفته بود که بودجه فرهنگی و اجتماعی شورا و شهرداری ۲۵درصد کاهش پیدا کرده و به علت بدهی‌ها، اعتبارات هم کمتر شده و همه اینها «بسیادی فرهنگی و اجتماعی جامعه را تحت تاثیر قرار داده است.» بدهی شهرداری تهران از مدیریت قبلی ۵۵هزارمیلیارد تومان است و بودجه سالانه در نظر گرفته شده شهرداری ۱۷ هزارمیلیارد تومان‌واز این مقدار تا پایان سال فقط ۴هزار۱میلیارد تومان محقق خواهد شد. همه می‌دانند که این اعداد با قیمت خانه نیما یوشیج جور در نمی‌آید. مالک می‌گوید دلان و بساز و بفروش‌ها به این قیمت خریدارند، اما هنوز معامله‌ای انجام نشده.

خانه پدر شعر نو بیرون از فهرست آثار ملی

خانه سرر کوچک «هربری» در درآشپ‌را پیش از این وقتی در فهرست آثار ملی جای داده بودند که مالک قصد تخریبش را داشت. ۱۸سال پیش سیمین دانشور، نویسنده، نامدار و همسایه نیما -بعد از آن که دیوار حیاط را تخریب کردند- مانع مالکان شده بود و میراث‌فرهنگی هم خانه روی دیوار نو، این شماره را ثبت کرده بود: ۳-۴۶۰. تا بلوی شماره ثبت را ۱۵۱ آبان پارسال از جا کنده. بهمن‌ماه پیش، بعد از آن که معلوم شد مالک دو سال تمام برای خروج خانه از فهرست میراث تلاش کرده و بعد از آن همه فریاد اعتراض، مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی از ثبت دوباره خانه نیما یوشیج در فهرست میراث ملی خبر داد. فرهاد نظری گفته بود که «خانه نیما یوشیج در کمیته میراث‌فرهنگی تهران مطرح و در کمیته ملی ثبت شده» و «از سازمان ثبت اسناد استعلام گرفته» و مالکیت نیما بر این خانه را به اثبات رسانده‌اند. پیگیری‌های «شهروند» اما معلوم می‌کند که مسئولان سازمان میراث‌فرهنگی از این که این خانه هنوز اثر ملی است یا نه، بی‌خبرند. نزدیک یک‌سال بعد از این اظهارات، نظری به